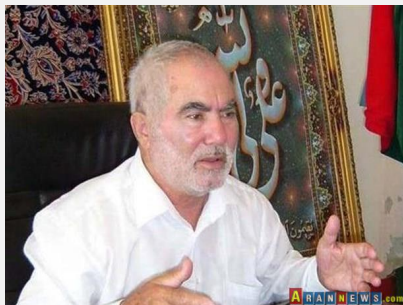


آموزه‌های انقلاب اسلامی و رهبر «خمینیون» جمهوری آذربایجان

حاج علی اکرام علی‌اف کسی است که حدود 15 سال از عمرش را در زندان سپری کرد به خاطر اینکه مبلغ انقلاب و طرفدار امام خمینی (ره) بود



به گزارش آرآن نیوز، حاج علی اکرام علی‌اف در خاطرات خود می‌گوید: تنها منبع تغذیه فکری، اعتقادی و سیاسی ما هم درباره ایران و انقلاب اسلامی و هم در شناخت دقیق از اسلام و تشیع و احکام حیاتی و مترقی آن، در سی سال گذشته، رادیو ایران مرکز تبریز، ارومیه، اردبیل، مغان و رشت بوده است.

در جمهوری آذربایجان و جمهوری خودمختار نخجوان، عموم اهالی متدین آذربایجان در این مدت برای آشنایی بیشتر با معارف دینی، افکار و اندیشه های امام و مقام معظم رهبری و جریانات انقلاب اسلامی و روند تاریخی و سیاسی نظام جمهوری اسلامی از این رادیوها استفاده کرده اند؛ به خصوص در دوره شوروی و قبل از باز شدن مرزها.

«حاج علی اکرام علی‌اف» رهبر اسلامگرایان جمهوری آذربایجان است که سابقه ارتباط با انقلابیون و مبارزان ایران را دارد. وی که در ۲۶ اسفند ۱۳۸۹ درگذشت، خاطراتی بسیار جالب و خواندنی در رابطه با حزب اسلامی آذربایجان و انقلاب اسلامی ایران دارد.

حاج علی اکرام علی‌اف کسی است که حدود ۱۵ سال از عمرش را در زندان سپری کرد به خاطر اینکه مبلغ انقلاب و طرفدار امام (ره) بود. به او و طرفدارانش «خمینیون» می‌گفتند البته خودشان هم می‌shy& گفتند که خمینیون هستیم. حاج علی اکرام خیلی با اخلاص عمل می‌shy& کرد؛ در دانشگاه تحصیل کرده بود و طلبه حوزه نبود اما متدین و انقلابی بود. آنچه در ادامه می‌خوانید بخشی از خاطرات حاج علی اکرام علی‌اف درباره نحوه آشنایی با اندیشه های امام خمینی، ارتباط با آیت الله خامنه ای و نقش ایشان در آزادی حاج علی اکرام از زندان، مبارزات ضداستعماری مردم نارداران و نقش انقلاب اسلامی ایران در بیداری مردم آذربایجان است که در کتاب «خاطرات حاج علی اکرام علی‌اف»؛ که توسط مرکز اسناد انقلاب اسلامی منتشر شده آمده است.

نحوه آشنایی با اندیشه های امام خمینی در سال ۵۴

حاج علی اکرام علی‌اف درباره نحوه آشنایی با نام و اندیشه های رهبر کبیر انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۴ می‌گوید: حدود سال ۱۹۷۵ میلادی (۱۳۵۴ شمسی) بود که مطلع شدیم یک دانشجوی ترک زبان و شیعی مذهب یمنی به اسم احمد که در باکو درس می‌خواند، به زیارت امامزاده رحیمه خاتون در نارداران آمده است. البته آن زمان به دانشجویان خارجی اجازه نمی‌دادند به هر جایی که دلشان خواست بروند؛ اما چون او گفته بود من شیعه هستم، می‌خواهم این مکان مقدس و مذهبی شیعی را زیارت کنم و هدف دیگری ندارم، بنابراین اجازه داده بودند که بیاید. ما وقتی این خبر را شنیدیم، چند نفر جمع شدیم و به دیدن او در امامزاده رفتیم. بیشتر علاقه مند بودیم که او از کشور خودش یمن و سایر کشورهای عربی و اسلامی برای ما صحبت کند؛ چرا که ما در حصار شوروی، از جهان بیرونی بی‌خبر بودیم. ما برای نخستین بار نام امام خمینی را از زبان آن دانشجوی یمنی شنیدیم. احمد یمنی گفت: آیت الله خمینی از رهبران و مراجع بزرگ شیعه است و از ده – دوازده سال پیش به خاطر مبارزه بر ضد شاه ایران و امپریالیزم امریکا، از کشورش به ترکیه و سپس به عراق تبعید شده، الان در نجف اقامت دارد و به مبارزه ادامه می‌دهد و معتقد است که در نتیجه این مبارزه، شاه در ایران سقوط می‌کند و نظامی بر اساس اعتقادات و اندیشه های اسلامی حاکم می‌شود. ایشان نظرات خود را به صورت کتاب و بیانیه و اعلامیه و فتوا و گاهی در دیدارها به دنیا اعلام می‌دارد. مطالبی به این مضمون از امام خمینی گفت. ما خیلی تعجب کردیم و نام خمینی را از آن روز به خاطر سپردیم، اما امکان گرفتن اطلاع بیشتری نداشتیم تا اینکه انقلاب اسلامی آغاز شد و ما نیز مثل دیگر مردم جهان با امام بیشتر آشنا شدیم. ما آن روز که از نام امام خمینی و مبارزه و تبعید شدن ایشان، اطلاع یافتیم، یاد عالمان بزرگ دینی باکو و آذربایجان افتادیم که علیه نظام کمونیستی و استبداد استالینی قیام کردند و به شهادت رسیدند. به هر حال نام امام، موجب احیای یاد و خاطره آن مؤمنان عالم و مجاهد شد.

تنها منبع تغذیه فکری، اعتقادی و سیاسی مردم آذربایجان

حاج علی اکرام علی‌اف می‌گوید: تنها منبع تغذیه فکری، اعتقادی و سیاسی ما هم درباره ایران و انقلاب اسلامی و هم در شناخت دقیق از اسلام و تشیع و احکام حیاتی و مترقی آن، در سی سال گذشته، رادیو ایران مرکز تبریز، ارومیه، اردبیل، مغان و رشت بوده است. در جمهوری آذربایجان و جمهوری خودمختار نخجوان، عموم اهالی متدین آذربایجان در این مدت برای آشنایی بیشتر با معارف دینی، افکار و اندیشه های امام و مقام معظم رهبری و جریانات انقلاب اسلامی و روند تاریخی و سیاسی نظام جمهوری اسلامی از این رادیوها استفاده کرده اند؛ به خصوص در دوره شوروی و قبل از باز شدن مرزها. اما بعد از فروپاشی شوروی و برقراری ارتباط مستقیم بین مردم دو کشور، وضعیت البته فرق کرده است. الان کتاب، تلویزیون، اینترنت، روزنامه نشریات و رفت و آمدها، ارتباط را نزدیک تر و بیشتر کرده است. قبل از اینها همان چند ایستگاه رادیویی، حماسه ها می‌آفرید. در حالی که وضعیت جنگ تحمیلی، حمله جنایتکاران صدام حسین به شهرهای ایران و مناطق مسکونی، وضعیت قرمز، بمباران شهرها، تشییع جنازه شهدا، سخنرانی ها و بیانات امام و مسئولان ایران، بمبگذاری های منافقین و دست نشانده های آمریکا در داخل ایران، نماز جمعه تهران و شهرهای مرزی ایران مثل اردبیل، آستارا، تبریز، جلفا، ارومیه، رشت و همه را از رادیو می‌شنیدیم. در نقاط مرزی جمهوری آذربایجان مثل آستارا، اردوباد، نخجوان و جلفا، همه آن برنامه های رادیویی را به راحتی ضبط سپس تکثیر و در بین مردم متدین و علاقه مند، مخفیانه پخش می‌نمودیم. مردم که تشنه معارف اسلامی بودند، این نوارها را گوش می‌کردند و بدین گونه معارف دینی و انقلاب اسلامی در جمهوری آذربایجان نشر می‌یافت. علاوه بر نوارهای صوتی، چند صد رادیوی کوچک جیبی خریداری کرده، در اختیار افراد بسیار شاخص از مؤمنان و طرفداران امام خمینی گذاشته بودیم تا خود هر لحظه به طور مستقیم از اوضاع ایران با خبر باشند. بدین گونه ما از همان اوایل پیروزی انقلاب اسلامی – بنا به گرایش های ریشه دار دینی خود یک انقلاب فرهنگی مبتنی بر اسلام و با الهام از امام خمینی و انقلاب اسلامی را در نارداران – بیخ گوش باکو – آغاز کردیم و آرام آرام به همه نقاط آذربایجان سرایت دادیم. در آن زمان گرچه سخت زیر نظر و مراقبت و دائما در تعقیب و گریز و هر لحظه منتظر مرگ و شهادت بودیم، اما چنان آتش عشقی در روح و جانمان شعله ور شده بود که سر از پا نمی‌شناختیم. عموم اهالی، گرچه از مأموران خطرناک حکومتی می‌ترسیدند و احتیاط می‌کردند، دل‌هایشان با اسلام و امام خمینی بود. خطبه های نماز جمعه تبریز توسط شهید محراب آیت الله مدنی، آیت الله مشکینی و بعد از آن توسط آیت الله میرزا مسلم ملکوتی ایراد می‌شد. از رادیو تبریز ضبط و تکثیر می‌کردیم و نوارها دست به دست می‌گشت و مورد استفاده مؤمنان قرار می‌گرفت.

همچنین خطبه های نماز جمعه اردبیل توسط آیت الله مروج، امام جمعه و نماینده امام در اردبیل، درس های حدیث و تاریخ و احکامی که حجت الاسلام سید علی اکبر اجاق نژاد و حجت الاسلام شهنامی و حجت الاسلام جعفری که در رادیو اردبیل داشتند، احکامی که مرحوم حجت الاسلام شیخ محمد حسین انزایی (نماینده تبریز در مجلس شورای اسلامی) از تحریرالوسیله امام خمینی می‌گفتند و درس هایی از نهج البلاغه که توسط حجت الاسلام صفوی از رادیو تبریز پخش می‌شد … خیلی مفید و در بازگشت مردم آذربایجان به اسلام اصیل، بسیار مؤثر بودند. برنامه های این رادیوها در زمینه های معارف اسلامی و شناخت انقلاب اسلامی و جریانات سیاسی و اجتماعی ایران، در آن سال ها، برای ما به منزله باران آسمانی در کویر تشنه بود. بعدها نیز رادیو ایران، به ویژه رادیو تبریز، به عامل ارتباط دو طرفه بین مردم ما و ایران تبدیل شد و هنوز هم این ارتباط ادامه دارد.

نقش آیت الله خامنه ای در آزادی حاج علی اکرام از زندان در سال ۱۹۹۹ میلادی

رهبر اسلامگرایان جمهوری آذربایجان ماجرای آزادی خود از زندان در سال ۱۹۹۹ را این گونه روایت می کند: از ۱۹۹۶ تا ۱۹۹۹ حدود سه سال و نیم در زندان بودم و اتهام ما خیانت به کشور، دشمنی با خلق، بر هم زدن نظم و قانون، جاسوسی برای ایران و... بود و تحت انواع شکنجه ها و آزار و اذیت ها قرار گرفتیم، بعد از مدت مذکور به فرمان حیدر علی یف آزاد شدیم. بعد از آزادی که به منزل آمدیم، یک انگشتر به من دادند و گفتند این را آیت الله خامنه ای برای تو فرستاده است. من آن را بوسیدم و به انگشتر خود انداختم. بعد از آزادی به محضر آیت الله امام خامنه ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی رسیدم. ایشان از حال من جويا شدند و اظهار عنایت کردند و فرمودند: «من به وسیله وزیر مسکن و شهرسازی خودمان آقای مهندس علی عبدالعلی زاده به حیدرعلی یف یادداشت فرستادم که شما را آزاد کنند، سه روز بعد شما آزاد شدید.»

خود آقای عبدالعلی زاده هم بعدها این مطلب را به من گفت. معلوم شد علت اصلی آزادی ما از زندان، پیام آزادیبخش مقام معظم رهبری بوده است و این لطف خدا به وسیله آن بنده صالحش رهبر بزرگ جهان اسلام، شامل حال ما بندگان درمانده خدا شد.

گرچه تحمل آن زندان ها از طاقت انسان های عادی خارج است و مصداقی است برای زندان معروف «گوانتانامو» آمریکا و زندان «ابوغریب» در عراق که امروزه در صدر اخبار جهان از آن دو با وحشت یاد می شود. کمتر کسی پیدا می شود که چند سال در زندان های آذربایجان محبوس شود و زنده بیرون آید. اگر هم کسی مثل من سخت جان باشد و زنده بیرون بیاید، سلامت خود را به کلی از دست می دهد؛ کما اینکه من چنین شده ام و اکنون در گوشه ای افتاده ام. زیرا هم محیط زندان ها بسیار دلگیر و وحشت آور و تنگ و تاریک بود و هم رفتار زندانبانان بسیار وحشیانه و بی رحمانه.

قیام مردم نارداران آذربایجان علیه توطئه کشف حجاب غربی

حاج علی اکرم درباره مبارزات ضداستعماری مردم نارداران می گوید: دوره حاکمیت حیدر علی یف در آذربایجان، بعد از فروپاشی شوروی، دوره بسیار شومی در تاریخ سیاسی و اجتماعی ماست؛ اراضی اشغال شده آذربایجان در دست دشمن ماند، مناقشه قره باغ حل نشد، بلکه گره مشکل کورتر هم شد، فقر و بدبختی مردم روز به روز افزایش یافت، فرهنگ مبتذل غرب بر کشور و جوانان مسلمان ما غلبه کرد؛ به طوری که امروز هر کس پا به باکو می گذارد، نمی داند به یک شهر کاملاً غربی وارد شده یا شرقی و مسلمان نشین! فسق و فجور روز به روز بیشتر شده و بیشتر می شود.

حوادث تلخ و تأسف برانگیز نارداران و قیام مردم مظلوم و مسلمان آن در اوائل سال ۲۰۰۲ را باید در این رابطه بررسی کرد. گرچه برخی عوامل سبب و بهانه ای برای قیام و اعتراض مردم این قصبه به نمایندگی از همه مردم تحت ستم آذربایجان گردید، اما این قیام نتیجه خشم و ناامیدی و سرخوردگی و ظلم و خفقانی بود که اهالی بیدار نارداران ۱۰ سال تمام از زمان فروپاشی به بعد در دوره کوتاه حکومت ائلچی بیگ و حاکمیت ۱۰ ساله علی یف، گرفتار آن بوده اند.

مردم می دیدند که درآمد های میلیاردری نفت کشور در اختیار شخص رئیس جمهور، خانواده و نزدیکان او قرار می گیرد و چیزی عاید ملت نمی شود، صدای هر گونه چون و چرایی را در نطفه خفه می کنند، افتخار به عضویت در شورای اروپا و تظاهر به فساد اخلاقی در مراکز دولتی، فرهنگی، علمی، صدا و سیما و مطبوعات جای ارزش های دینی و نجابت و افتخارات ملی را پر می کند، فحشا و منکرات در همه جا پا می گیرد و بی شرفی به اوج خود می رسد، فقر، گرسنگی و بیکاری دست و پای مردم را گرفته و زندگی را تلخ می کند و هیچ کس هم جرأت اعتراض ندارد، به همین علت مردم نارداران قیام کردند.

از طرف دیگر برق نارداران قطع شد، کمی بعد آب هم همان سرنوشت را پیدا کرد و نوبت به قطع گاز رسید! در روزهای نخستین سال ۲۰۰۲ مردم نارداران مجبور بودند مواد سوختی مثل گازوئیل یا نفت را مخفیانه و به قیمت گزافی تهیه کنند تا از سرما تلف نشوند و ضرورت های روزمره زندگی مثل پخت غذا، حمام و... را برطرف نمایند. آنگاه می دیدند که در روز روشن، پلیس از دیوار مردم بالا می آید و خود را به حیاط می اندازد و به اتهام قاچاق و تهیه و نگهداری مثلا ۱۰ لیتر گازوئیل، جلو چشم زن و بچه مرد خانه را مورد تحقیر و اهانت قرار می دهد، گاهی کتک هم می زند، جرمه و باج سیبل می گیرد و آن چند لیتر نفت و گازوئیل را هم بر می دارد و می رود و خانواده را در سرمای شدید و کشنده می گذارد؛ ولی داد مردم هم به جایی نمی رسد! این بود که گستاخی، تجاوز به حریم و زورگویی پلیس باکو به دستور مستقیم شخص حیدر علی یف، مردم را به تنگ آورده بود و نزدیک بود که خشم فروخورده آنان منفجر شود. تا اینکه یک روز «مصیر مردان اف» وزیر کودکان آموزش و پرورش که به حق از رجال پست و فرومایه دربار حیدر علی یف بود، به نارداران آمد و ضمن یک سخنرانی مفتضح، با تحکم تمام گفت: «دختران شما باید از این پس، در مدارس نماد آزادی و ترقی آذربایجان باشند و این حجاب و روسری و پوشش سنتی را کنار بگذارند، این قانون تعلیم و تربیت در کشور ماست!»

او سخنانی بسیار مفت و احمقانه دیگر نیز در این باره گفته بود. شما می دانید و همه اهالی آذربایجان نیز نیک می دانند که حفظ حجاب زنان و دختران نارداران در طول تاریخ، چه قبل از شوروی، چه در دوره شوروی و حاکمیت کمونیست های خدانشناس و چه بعد از فروپاشی، از افتخارات مردم نارداران است و نشانه شرف و غیرت و ناموس و دینداری آنان به شمار می رود.

به هر حال، در پی سخنان وقاحت بار وزیر آموزش و پرورش، مردم نارداران ناراحت و خشمگین شدند و این بهانه ای شد که خشم چند ساله به خصوص چند ماه اخیرشان، مثل آتشفشانی منفجر شود. بدین گونه اعتراض و تجمع مردم نارداران علیه ظلم و ستم حاکمیت از آن روز آغاز شد و حوادث خونینی اتفاق افتاد.